

امارات توسط کره‌ای‌ها، این کشور را به بازیگری استراتژیک در خاورمیانه تبدیل کرده است. در اروپا، عمل‌گرایی دیپلماتیک و فردگرایی ترکیه چشم‌ها را خیره کرده است. آنکارا برای گسترش روابط خود با کلیه همسایگانش بسیار تلاش کرده و همچنین در دنبال کردن منافعش در خاورمیانه خط مشی کاملاً مستقلی دارد. بسیاری از کشورهای، به ویژه در منطقه خلیج فارس، ترکیه را شریک استراتژیک مهمی برای خود می‌دانند. روابط این کشور با اروپا و آمریکا گاهی به دلیل موضع سرسختانه آن نسبت به مسایل خاورمیانه و روابط تیره و تار با اسرائیل به چالش کشیده شده، اما این مسئله آنکارا را چندان نگران نمی‌کند، چرا که رهبران ترک مزایای برخورداری از یک قدرت مستقل را به محدودیت‌های اتحاد با این کشورها ترجیح می‌دهند.

قطعات بسیار زیادی از این پازل در سطح بین‌الملل همزمان با هم چیده می‌شوند و در این شرایط، کشورهای کوچک و بزرگ برای دفاع از منافع و پیشرفت اهداف خود، بیشتر به ابتکارات استراتژیک خود امید بسته‌اند تا روابط سازمانی و اتحاد با دیگر کشورها. ■

بر خلاف چین و هند، استرالیا، اندونزی و کره جنوبی ترجیح می‌دهند به عنوان "قدرت‌های متوسط" در نظر گرفته شوند تا اطمینان حاصل کنند منافعشان در آسیای چند قطبی حفظ می‌شود. این سه کشور در زمان خود و هنگام نشست‌های مهم آسیایی، نیروهای دیپلماتیک و طرفدار سیاست دینامیک آسیایی تلقی می‌شوند که در این زمینه، گاهی به ژاپن و هند ملحق می‌شوند. استرالیا که همانند کلیه کشورهای آسیایی می‌خواهد بهترین روابط ممکن را با چین برقرار کند، با توجه به این که نمی‌تواند برای حفظ منافع و دفاع از ارزش‌های خود تنها به آمریکا متکی باشد، دیپلماسی خود را به سوی این منطقه از آسیا هدایت می‌کند. اندونزی به واسطه جایگاهش در گروه ۲۰ و موفقیت‌های داخلی، به پیشرفت قابل توجهی رسیده و در عین حال به پروتکل‌های دیپلماسی انجمن کشورهای جنوب شرق آسیا (ASEAN) پایبند است و نمی‌خواهد در توسعه روابط دوجانبه گسترده خود به این گروه‌ها محدود شود.

کره جنوبی، به طور خاص تلاش می‌کند عمل‌گرایی یک قدرت متوسط را فراتر از منطقه خود توسعه دهد. در واقع، باید گفت نتیجه مثبت پروژه ساخت نیروگاه هسته‌ای در

واردات برای گسترش تولید و صادرات

واردات بد نیست، به شرط و شروط

ارزیابی دکتر محمدعلی عباسی، نایب رییس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

گره کور وارداتی

بر اثر هزینه کردن بی‌رویه درآمدهای نفتی و با وجود اقتصاد بیمار ایران، بسیاری از بازارهای داخلی شاهد ورود انواع کالاهای مصرفی خارجی در سال‌های

موضوع مدیریت واردات از اهمیت بسیاری برخوردار است و این امر، تلاش مضاعف را برای واردات و صادرات هدفمند و سیاست‌های مرتبط، منظم، پایدار و علم مدار طلب می‌کند. اولین هدف هر نظام اقتصادی، برقراری تعادل پایدار در آن است. تعادل در یک نظام، مربوط به کنترل یا کاهش نوسانات متغیرهای اصلی قیمت و مقدار در محدوده‌های تعیین شده است که چنین تعادلی در تمام کشورها و نظام‌های اقتصادی دنبال می‌شود. حتی در نظام‌های اقتصاد آزاد، دولت در برخی مواقع برای جلوگیری از نوسان متغیرهای اصلی اقدام به دخالت در بازار و اجرای سیاست‌های تنظیمی می‌کند.

در کشورهای در حال توسعه و از جمله کشور ما، این عدم تعادل‌ها در اقتصاد بیشتر است و بالطبع، دخالت دولت در بازار برای برقراری تعادل عرضه و تقاضا و ثبات قیمت‌ها هم نمایان‌تر جلوه می‌کند. از این رو بحث تنظیم بازار و سیاست‌های اعمال شده در جهت توازن بازار و تأمین منابع مصرف کنندگان و به تبع آن، تولید کنندگان در کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اتکا به تجارت خارجی

به علت وابستگی شدید کشور به درآمدهای صادراتی و ارز واردات مورد نیاز جهت پی ریزی صنعتی، تجارت خارجی نقشی اساسی و انکار ناپذیر در رشد اقتصادی دارد. مطالعات در مورد تجارت خارجی و رشد اقتصادی نشان می‌دهند که صادرات و واردات می‌توانند نقش قابل توجهی در رشد اقتصادی داشته باشند و می‌توان گفت در تحول اقتصادی کشور به سوی رشد، بین الگوی تولید و واردات و صادرات پیوندی ناگسستنی وجود دارد.

با توجه به این که سیاست‌های عمرانی کشور در جهت تشویق و توسعه صنعتی طرح ریزی شده‌اند، در چنین شرایطی واردات به طور طبیعی سیر صعودی خود را طی خواهد کرد، زیرا در مراحل انتقالی توسعه اقتصادی، به تأسیس زیربنای سرمایه‌ای نیاز داریم که واردات کالاهای سرمایه‌ای نقش بسیار مهمی در ایجاد آن دارد. در این رابطه، محدود کردن و تنظیم واردات و به تبع آن مدیریت تراز پرداخت ارزی کشور از طریق تنظیم سیاست‌های اقتصادی، بسیار کارآمد و مؤثر است.



اخیر بوده‌اند. متأسفانه ارزش واردات از ۴۲/۳۸ میلیارد دلار در سال ۸۴ با رشد ۶۱/۸۰ درصدی به ۷۰/۱۹ میلیارد دلار در سال ۸۷ رسیده و به لحاظ وزنی از ۳۵/۴۶ میلیون تن در همین دوره با رشد ۲۴/۴۷ درصدی به ۴۴/۱۴ میلیون تن بالغ شده است. این ارقام نشان از افزایش تقاضا برای کالاهای وارداتی دارند که نتیجه این سیل بی‌رویه واردات، وارد شدن ضربات سنگین به تولیدات داخلی و اشتغال و پُر شدن بازار از کالاهای خارجی معادل است. این میزان واردات از ابعاد گوناگون قابل تفسیر و بررسی است. افزایش واردات بی‌رویه بسیاری محصولات اعم از کالاهای صنعتی، مواد غذایی و کشاورزی موجب شده بسیاری از دست اندرکاران تولید این کالاهای، بارها از شرایط نابسامان ادامه فعالیت خود گلایه کرده و خواستار چاره جویی برای مقابله با این روند شوند. مسئله آنجا بغرنج‌تر می‌شود که افزایش واردات این کالاها تأثیر چندانی در ساماندهی بازار یا کاهش قیمت‌ها نداشته است.

صادرات در کشور ما بیشتر به صادرات مواد خام و کالاهای با ارزش افزوده پایین معطوف است. از سوی دیگر، کالاهایی با ارزش افزوده بالا از جمله مواد اولیه، مواد مصرفی، کالاهای سرمایه‌ای و خدمات وارد می‌کنیم. به عبارتی، در بحث صادرات محصولات با ارزش افزوده بالا ضعف داریم. به این ترتیب، باید هر چه زودتر محیط رقابتی شود تا رشد تولید در اقتصاد رویکرد صادراتی مستمر داشته باشد. در این راستا با توجه به آن که مصارف داخلی محدود است، برای رشد و توسعه اقتصادی و اشتغال، چاره‌ای جز نگاه به بازارهای جهانی وجود ندارد. به عبارت دیگر، واردات باید برای تولید و در جهت تأمین بهینه نیازهای داخلی و صادراتی انجام پذیرد.

با توجه به چگونگی و حجم صادرات و واردات و ترکیب کالاهای وارداتی-صادراتی کشورهای موفق در توسعه اقتصادی، مشخص می‌شود که یکی از عوامل موفقیت این

کشورها، مدیریت جامع و یکپارچه "واردات برای تولید و صادرات" است. اقتصاد ایران همواره از نظر کسب درآمدهای ارزی و درآمدهای دولت، به میزان فوق‌العاده زیادی به نفت وابسته بوده و بیش از ۸۰ درصد ارز کشور از صدور نفت و گاز تأمین می‌شود. وابستگی به بازار نفت و عدم اطمینان از روند قیمت‌های آن، یکی از چالش‌هایی است که اقتصاد کشورمان به عنوان یک کشور صادر کننده نفت با آن مواجه است. باید دقت نظر کافی وجود داشته باشد که دلارهای کشور به راحتی از مرزها خارج نشوند. فهرست بلند کالاهای خارجی در بازار ایران، سیاست‌های مسؤولانی را یادآور می‌شوند که با تزریق بیش از حد ارزهای نفتی به اقتصاد ایران، تولید کنندگان داخلی را ساقط و کارگزاران را در معرض خطر بیکاری قرار داده‌اند. در مقابل فهرست بلند کالاهای وارداتی مصرفی در بازار، متعاقباً فهرست طولی از نام شرکت‌های تولیدی وجود دارد که به دلیل سیاست‌های متناقض و غیرقابل پیش‌بینی دولت، موانع و مشکلات تولید و از همه جدیدتر، واگذاری بازار ایران به تولید کنندگان خارجی، عملاً در آستانه توقف خط تولید و تعطیلی قرار گرفته‌اند.

فرصت‌ها و انتخاب مصرف کننده

کشورمان دارای مزیت‌های فراوانی در تولید کالاها می‌باشد. در زمینه منابع طبیعی،

در عین حال، نباید شرایط به گونه‌ای پیش رود که قدرت انتخاب از مصرف کننده گرفته شود. بلکه در کنار تولیدات داخلی، محصولات خارجی باید به گونه‌ای عرضه گردند که واردات، ارتقای کیفیت محصولات داخلی را به دنبال داشته باشد. در صورت توقف کامل واردات، قطعاً عدم رشد کیفیت و انحصار برای تولید داخلی به ارمغان می‌آید. لذا این موضوع مهم اقتصاد کلان باید بر مبنای توجه به اهداف و نیازها مدیریت شود. ■

دیالکتیک پول و رفتار

روانشناسی پول

دیدگاه دکتر علیرضا مهدیخانی، عضو انجمن اقتصاددانان ایران و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی



انداخته و همه این مسایل را ناشی از جنبه‌های روانی پول دانسته‌اند. با این وجود، هنوز جای کار روی موضوع روانشناسی پول وجود دارد. متأسفانه یکی از مسایلی

روانشناسی پول از موضوع‌های عمده، اما عمدتاً فراموش شده حوزه روانشناسی است و در ضمن از بهترین جنبه‌های علوم رفتاری به شمار می‌رود. با این حال، به هر کتاب روانشناسی که نگاه کنید، بسیار بعید است که واژه پول در نمایه موضوعی آن به چشم بخورد.

که باید در این زمینه به آن اشاره کرد آن است که در بسیاری کشورهای دنیا، موضوعاتی همچون مسایل جنسی از فهرست موضوعات اجتماعی-پژوهشی حذف شده و امروزه کمتر مورد موشکافی قرار می‌گیرند، در حالی که مسأله پول و بررسی جنبه‌های مختلف آن از بُعد روانی و جامعه شناختی، آن گونه که شایسته است مورد توجه واقع نشده است.

چرا روانشناسان از بررسی پول غفلت می‌ورزند؟ با مراجعه به منابع مختلف درمی‌یابیم که مقاله‌های مهم و گزینشی از دیدگاه جامعه‌شناسی در زمینه رفتار افراد ثروتمند و فقیر و پیامدهای اجتماعی حاصل از فاصله طبقاتی بین آنها وجود دارد. از طرفی، می‌بینیم که جامعه‌شناسان به بررسی نحوه پس‌انداز یا خرج کردن پول در طبقات مختلف اجتماعی و مقایسه بین افراد و طبقات با یکدیگر علاقمند هستند. اما اگر تمام جنبه‌های بررسی شده را جمع کنیم، می‌بینیم که موضوع پول از جنبه‌های روانشناختی مورد بررسی کافی قرار نگرفته است.

روانشناسان مانند اقتصاددانان، رفتارهای پولی را تا حدودی عقلانی و یا آن را فراتر از حیطه توجه خود می‌دانند. شاید هم در مقایسه با موضوعات مهم دیگری مانند درک آناتومی مغز و علل اسکیزوفرنی - یکی از خطرناک‌ترین بیماری‌های روانی - موضوع پول اهمیت چندانی نداشته باشد. اقتصاددانان درباره موضوع پول مطالب بسیاری برای گفتن دارند، اما برای حیطه بررسی رفتار انسان این مطلب اندک است. باید اعتراف کرد که اقتصاددانان و همچنین روانشناسان، متوجه غیرعقلانی بودن رفتارهای پولی روزمره انسان شده‌اند، ولی آن را حاشا می‌کنند. این موضوع اهمیت بررسی روان شناختی رفتارهای پولی انسان را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

البته همه روانشناسان از بررسی موضوع پول غفلت نرزیده‌اند. می‌بینیم که فریود توجه ما را به نمادهای ناخود آگاه درباره پول که رفتارهای پولی غیرعقلانی و غیرطبیعی افراد از آنها ناشی می‌شوند، جلب می‌کند. تاکنون موضوع پول از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی روانشناختی قرار گرفته است. مثلاً روانشناسان شناخت‌گرا نشان داده‌اند که چگونه در زمینه پول، حواس، حافظه و پردازش اطلاعات دچار خطاهایی می‌شوند. برخی روانشناسان بالینی به بررسی آسیب شناسی پول، یعنی رفتارهایی مانند تمایل شدید به قمار، ولخرجی یا خساست علاقمند هستند. روانشناسان رشد هم به سهم خود، زمان و چگونگی آشنایی کودکان با مسایل اقتصادی و چگونگی درک آنان را از مفهوم پول مد نظر قرار داده‌اند. در دهه‌های اخیر، روانشناسان اقتصادی به جنبه‌های مختلف استفاده از پول، دلایل پس‌انداز کردن مردم و اجتناب و طفره از پرداخت مالیات، نگاهی همه جانبه

در این زمینه کتاب‌های متعددی با عنوان روانشناسی پول به بازار عرضه شده که بیشتر، رازهای چگونه پولدار شدن را نشان می‌دهند تا رفتارهای پولی انسان؛ هر چند آنچه ناگفته باقی مانده، انگیزه نوشتن چنین کتاب‌هایی است!